

فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۹۵، صفحات ۶۵-۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۴/۱۵

مطالعه جامعه‌شناختی میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و

تأثیر آن بر سبک سلامت زیست محیطی (مورد مطالعه: شهروندان تبریز)

محمد باقر علیزاده اقدم^۱

محمد عباسزاده^۲

حسین هنرور^۳

چکیده

محیط زیست و منابع طبیعی موجود در آن به عنوان پشتوانه‌ی حیات طبیعی و میراث فرهنگی جامعه انسانی به شمار می‌روند. امروزه به کارگیری غیر اصولی ابزار و تکنولوژی، نظم طبیعت را بر هم زده و افزایش جمعیت توأم با بکارگیری غیراصولی آنها، انسان را دچار بحرانهای روحی روانی نموده است. بر این اساس با لحاظ محیط زیست سالم به عنوان حقی از حقوق شهروندی، می‌توان گفت که در نبود آن، احقاق حقوق شهروندی حاصل نخواهد شد. لذا آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی خودشان می‌تواند در حفظ محیط زیست تأثیر زیادی داشته باشد. پژوهش حاضر در نمونه‌ای با تعداد ۴۰۰ نفر از شهروندان تبریز با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انجام شده است. یافته‌های آماری و تجزیه و تحلیل آنها حاکی از این بود که آگاهی از حقوق شهروندی با سبک سلامت زیست محیطی رابطه معنی‌داری دارد. نتایج رگرسیون چندگانه نیز نشان می‌دهد از کل واریانس متغیر سبک سلامت زیست محیطی، ۱۹ درصد توسط متغیرهای مستقل آگاهی از حقوق شهروندی (حقوق اجتماعی: $\beta_0/206$ ، حقوق مدنی: $\beta_0/153$) تبیین شده است. عبارت بهتر با افزایش آگاهی از حقوق مدنی و حقوق اجتماعی میزان سبک سلامت زیست محیطی افزایش پیدا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: آگاهی از حقوق شهروندی، شهروندی، محیط زیست، سبک سلامت زیست محیطی.

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز aghdam1351@yahoo.com

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز m.abbaszadeh2014@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز؛ (نویسنده مسئول)

Huseyn.hunarvar@gmail.com

مقدمه

با فرایند جهانی سازی علی‌رغم مقررات زیست محیطی جدید، دسترسی به فرآورده‌های سازگار با محیط زیست و توسعه‌های دل‌گرم‌کننده‌ی دیگر که به همت نهضت محیط زیست گرایی تحقق پذیرفته است، ویران کردن کلان جنگل‌ها و انهدام گسترده‌ی گونه‌ها که در طول میلیون‌ها سال سابقه نداشته است هنوز ادامه دارد. این خطرها با تغییر دمای هوای جهان که سیستم‌های صنعتی آن را پایدار کرده است ایجاد شده‌اند که مسبب اصلی این مسئله انسانها هستند. امروزه بشر در سرتا سر کره‌ی زمین برای رسیدن به پیشرفت و توسعه اقتصادی با کمک تکنولوژی و فناوری دست به استثمار و بهره‌کشی بی‌رویه از محیط زیست زده است. و این بهره‌کشی بی‌رویه فشار غیر قابل تحملی را به محیط زیست وارد می‌کند که نتایج آن هم برای انسان و هم خود محیط زیست ناخوشایند است (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱، ۲۰۰۸). اما با توجه به رشد سریع جمعیت و نیازهای روز افزون انسانها، نمی‌توان توسعه‌ی مادی را که این همه برای محیط زیست زیان آور است متوقف کرد، بلکه باید با پذیرش نظام خاصی از اخلاقیات و آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی^۲ به توسعه، بعد فرهنگی بخشید، به عبارت دیگر باید بر روی مسئله آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی تأکید کرد چرا که امروزه ثابت شده است که بهترین جایگاه برای حفظ محیط زیست فکر انسان است (دابسون^۳، ۲۰۰۵). نگاه به دلمشغولی‌های زیست محیطی از افق اجتماعی و فرهنگی، دگرگونی نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و به ویژه رفتارهای

1 - Organization for Economic Co-operation and Development

2 - citizenship rights

3 - Dobson

پیرامون مسئله را می‌طلبید. اعتقاد کلی امروزه بر این است که بهترین پایگاه دفاع از حقوق زیست محیطی شهروندان در فکر انسان ساخته می‌شود. آموزش محیط زیست بخش بنیادین این پایگاه دفاعی است. البته مدیریت محیط زیست و مشارکت شهروندان در جهت حفظ محیط زیست بدون داشتن آگاهی از حقوق شهروندی امکان‌پذیر نیست، لذا شهروندان ابتدا باید نسبت به حقوق خود آگاهی داشته باشند تا بتوانند در مدیریت و حفظ محیط زیست مشارکت فعالانه داشته باشند (گنویو^۱، ۲۰۰۶: ۵۵۲).

اگر حقوق شهروندی را حق تعیین سرنوشت بدانیم یعنی اینکه حقوق شهروندی در پی تضمین سرنوشت هر شخص در اجتماع خود (زندگی اجتماعی) و تعیین حقوق و منافع برای او به واسطه شهروندی است، آنگاه شهروندی و حقوق مربوط به آن پیوند مستحکمی با مشارکت شهروندان برای تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود خواهد داشت. این مشارکت باید امکان دنبال کردن هدف‌ها را در چارچوب یک قرارداد اجتماعی در شرایطی که همه افراد در حقوق و تکالیف با هم برابر باشند فراهم سازد. زیستن در دنیای امروز، به این معناست که یاد بگیریم در محیطی با امکان وقوع خطراتی در مقیاس بزرگ زندگی کنیم، خطرهایی که تلاش برای هنجاری شدن دیوان سالارانه، الزام‌های نظام اقتصادی و اعتماد به تخصص علمی را مورد تردید قرار می‌دهد. ما فقط یاد نمی‌گیریم که در جامعه‌ای پسا-سنتی زندگی کنیم، بلکه یاد می‌گیریم در جامعه‌ای زندگی کنیم که در آن به امکان وقوع خطرات بزرگ - مقیاسی مانند حادثه چرنوبیل عادت کنیم. با وجود پایان یافتن جنگ سرد، ما

زیر سایه نابودی خودمان زندگی می‌کنیم. هیچ کس به واقع نمی‌داند پیامدهای درازمدت تخریب محیط طبیعی چه خواهد بود. در چنین جامعه‌ای اقتصاد و سیاست را نمی‌توان با مبارزه در راه منابع مفهوم‌سازی کرد و تباهی محیطی را نمی‌توان به عنوان عارضه‌ای جانبی یا موقتی، دست کم گرفت. تولید بین‌المللی مواد آسیب‌زا، آلودگی دریاها، و خطرات نیروی هسته‌ای، همه سازوکارهای حکومت ملی و اعتماد ما نسبت به نهادهای اصلی جوامع را زیر سؤال می‌برد.

به این ترتیب، بک^۱ می‌پرسد، پیامدهای این مباحث برای مسائل سیاست محیطی و شهروندی چیست؟ نخست این که مخاطرات ایجاد شده به وسیله جامعه صنعتی در اصل ملکی نیستند بلکه جهانی‌اند. یعنی این مخاطره‌ها به سیاست جدیدی اشاره می‌کنند که در فراسوی پلیدی‌های دیرپای جنگ سرد قرار دارد. این، هم امکان ظهور «دشمنان ناآشنا»^۲ و هم شکل‌های جدید توافق نظر را پیش می‌کشد که در آن دولت‌ها با دشمنان دائمی روبه‌رو نیستند (بک، ۱۹۹۸). دوم این که اصولی مانند «هزینه آلاینده‌ها» یا «قصور فردی» در عمل باعث بالا رفتن سطح آلودگی‌ها می‌شود. دلیلش آن است که به سختی می‌توان آلودگی را فقط به یک منبع واحد نسبت داد، به شیوه‌ای که این رابطه علی، ممکن است زیر بار اثبات علمی نرود و اغلب نسبت به این که چه کسی عملاً مقصر است کشمکش‌های فراوانی وجود دارد. پیامد این «کشمکش‌های تعریف کردن» که در جست و جوی یک علت آغازین هستند، اغلب به پنهان کردن راه‌های مؤثری می‌انجامد که طی آن‌ها جامعه به صورت آزمایشگاهی علمی درآمد است. بک درباره بالا رفتن سطح مخاطره‌های عصر جدید می‌نویسد:

1 - Beck

2 - Unstable Enemies

هرچه آلاینده‌ها بیشتر در محیط پخش شوند، سطح پذیرش یک یک آن‌ها بالاتر می‌رود، و هرچه این جریان آزادانه تر انجام گیرد، سیاه بازی و هذیان گویی دیوانه وارتر می‌شود، خطر مسمومیت جمعیت افزایش می‌یابد- این معادله ساده مفروض است که میزان حجم [بالای] مواد مختلف سمی، مساوی با بالارفتن میزان مسمومیت است (بک، ۱۹۹۲: ۲۶). در منشور حقوق شهروندی (۱۳۹۲) درباره «محیط زیست و توسعه پایدار»؛ دولت مکلف است حفاظت، حمایت، بهسازی و زیباسازی محیط زیست و ایجاد فرهنگ مناسب آن را در کلیه برنامه‌ها، تصمیمات و اقدامات توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی کشور مدنظر قرار داده و با هرگونه آلودگی و تخریب غیرقابل جبران محیط زیست از سوی کلیه اشخاص و سازمانهای عمومی و خصوصی مقابله نماید و از فعالیت بخش خصوصی و سازمانهای غیردولتی در این راستا حمایت به عمل آورد.

طرح نجات دادن محیط، در واقع همراه با تخریب طبیعت و فرهنگ مخاطره و بی‌اطمینانی شکل گرفته، یعنی با پدیده‌هایی که در برداشت‌های انسان از بهزیستی بسیار اثرگذارند. علم و فناوری، نوعی فرهنگ بازتابی را شکل داده که در آن سیاست و اخلاقیات، بر کارشناسی علمی غلبه دارد. به این ترتیب، محیط مشترک مخاطره آمیز جهانی، شکل‌گیری نوعی سیاست بوم‌شناختی را میسر می‌سازد که در پی بهبود مبادله مردم سالارانه است. همان‌طور که مبارزه برای تحقق روابط شهروندی، از گذشته و در محیط‌های مادی از قبیل محل کار، سازمان می‌یافته‌اند، بسیار امکان دارد که زیر-سیاست‌ها به‌طور نمادی از طریق حوزه‌های مصرفی، رسانه‌های تلویزیونی، و سیاسی کردن دوباره علم، شکل بگیرند.

اگر جنبش زیست بومی از ما می‌خواهد که حق یا حقوق گونه‌های مربوط به کره زمین را رعایت کنیم، قضیه باز- ایجاد فضاهای عمومی گفت و گوی مردم سالاری را هم مطرح می‌نماید (بک، ۱۹۹۶). بخصوص با توجه به اینکه بر طبق نظریه ال‌ریش بک، کشورهای جهان سوم بیشتر در معرض تهدیدهای زیست محیطی قرار دارند باید بر روی آگاهی شهروندان تأکید ویژه‌ای در جهت حفظ محیط زیست کرد. لذا تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به سؤالاتی زیر می‌باشد: آیا بین آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و سبک سلامت زیست محیطی رابطه وجود دارد؟ میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی در چه حد است؟ می‌باشد.

چارچوب نظری تحقیق

بررسی اجمالی سرگذشت انسان نشان می‌دهد که تعامل بشر به عنوان جزئی از طبیعت با پیرامونش، سه مرحله را شامل می‌شود: این سه مرحله عبارتند از: دوران تسلط طبیعت بر انسان، دوران تسلط انسان بر طبیعت و دوران همگرایی و تعامل انسان با طبیعت. دوره‌ی اول دربرگیرنده عصری است که در آن بشر کاملاً مقهور طبیعت بوده و قادر نبوده دخل و تصرفی در طبیعت انجام دهد و دوره‌ی دوم عصر ایجاد تمدن‌های صنعتی است. بشر با دستیابی به صنعت ماشینی و به وجود آوردن کارخانه‌های کوچک و بزرگ، رابطه‌ی خود را با طبیعت متحول کرد. بدین صورت که برای افزایش تولید، منابع بیشتری را مورد بهره‌برداری قرار داد و در نتیجه صدمات بیشتری را به طبیعت وارد کرد در اثر این امر، طبیعت رو به تخریب و نابودی گذاشت. دوره‌ی سوم که به نظر می‌رسد بشر در این مرحله قرار دارد دوران آگاهی، تعامل و همزیستی با طبیعت و محیط زیست است. در این دوره، بشر به علائم تهدید کننده‌ی

حیات پی برد و دریافت که برای نابودی حیات و زندگی در کره‌ی زمین، دیگر احتیاجی به برخوردهای نظامی و به کارگیری سلاح‌های مخرب غیر متعارف که آثار تخریبی گسترده دارند، نیست. بلکه اگر نظارتی بر کنترل جمعیت وجود نداشته باشند و روش‌های تولید و مصرف موجود را تغییر ندهند و به تغییرات آب و هوایی توجهی نکنند، به همان اندازه یا بیشتر، نابودی محیط زیست را به دنبال خواهد داشت (فیروزی، ۱۳۸۴: ۱۸). این همان مفهوم سبک سلامت زیست محیطی است که در دوره سوم برخورد انسان با طبیعت، باید در کانون توجه شهروندان قرار بگیرد تا با رعایت سبک سلامت زیست محیطی بتوانند در جهت داشتن محیط زیست سالم حرکت بکنند. سبک سلامت زیست محیطی در واقع به نحوه‌ی رفتار نوع بشر با طبیعت اطراف خود مربوط می‌شود (شولز^۱، ۲۰۰۴). البته این امر مهم نیاز به داشتن آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی دارد چرا که بدون آگاهی شهروندان از این مسئله که داشتن محیط زیست سالم به عنوان حقی از حقوق شهروندی است نمی‌توان امیدوار بود که سبک سلامت زیست محیطی در بین شهروندان رعایت شود. آگاهی و تفکر زیست محیطی شهروندان نقش مهمی در شکل‌گیری مدیریت و سازماندهی محیط زیست دارد (اندرو^۲، ۲۰۰۸).

گفتمان‌های شهروندی، بعد از سال ۱۹۴۵ با تحلیل‌های جامعه‌شناختی تی. اچ. مارشال^۳ دچار دگرگونی شد. طرح نظری مارشال پاسخی به چالش میان سرمایه‌داری و دموکراسی در دل دولت رفاه است که مسأله‌ی مهم آن برقراری مصالحه و پیوند

1 - Schulz

2 - Andrew

3 - Marshall

میان مؤلفه‌های کلیدی نظام اقتصادی سرمایه‌داری یعنی طبقه‌ی اجتماعی و بازار و نظام سیاسی دموکراسی یعنی مشارکت همگانی و برابری حقوقی در جامعه مدرن است. از دید مارشال شهروندی موقعیتی است که به همه‌ی اعضای یک جامعه اعطا می‌شود. تمام افرادی که این موقعیت را دارا هستند، با توجه به حقوق و وظایف اعطا شده به آن‌ها با یکدیگر برابرند. هیچ اصل جهان شمولی وجود ندارد که تعیین کند آن حقوق و وظایف چیست اند، اما جوامعی که در آنها شهروندی نهادی در حال رشد است، تصویری از شهروند آرمانی خلق می‌کنند که دستیابی به آن قابل اندازه‌گیری است و می‌توان تمایلات افراد را به سوی آن سوق داد. به عقیده‌ی مارشال شهروندی به سه اصل یا عضو (مدنی، سیاسی، اجتماعی) تقسیم می‌شود. حقوق مدنی که برای آزادی‌های شخصی ضروری است و شامل مواردی چون آزادی بیان، عقیده، تفکر و حق مالکیت اموال می‌باشد. حقوق سیاسی که شامل حق مشارکت در قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی و حق رأی است. حقوق اجتماعی که شامل طیف وسیعی از حقوق مربوط به رفاه و امنیت اقتصادی است و حق زندگی طبق استانداردهای رایج زندگی در یک جامعه را شامل می‌شود و به طور نزدیکی با نظام آموزش و خدمات مرتبط است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳). به نوعی می‌توان گفت که مارشال سه نوع حقوق شهروندی بیان می‌دارد: نوع اول حقوق مدنی بود که در قرن هجدهم به صورت حقوق سلبی ظهور کرد و شامل آزادی فردی در برابر تجاوز غیرقانونی دولت به مالکیت خصوصی، آزادی شخصی و عدالت بود. حقوق مدنی از قرن نوزدهم به بعد به حقوق سیاسی ایجابی پیوند خورد که به وسیله آن، شهروند فعال می‌توانست در شکل‌گیری افکار عمومی و تصمیم‌گیری سیاسی

مشارکت جوید. حقوق اجتماعی، در قرن بیستم توسعه یافت که از مجرای آن شهروندان براساس استاندارد پایه‌ای مشخصی از نظر رفاه اجتماعی و اقتصادی، چه بوسیله حق کار و چه تامین رفاه، مورد حمایت قرار گرفتند. این حقوق اجتماعی، بدین علت حایز اهمیت حیاتی بود که با اعضای طبقه کارگر فرصت مشارکت حقیقی در جامعه به عنوان شهروند را می‌داد (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۶).

پارسونز^۱ شهروندی را نتیجه‌ی ظهور جامعه سرمایه داری صنعتی می‌داند و معتقد است که تغییراتی که در جامعه صنعتی رخ داده، نظیر شهری شدن و عقلانیت بستر مناسبی را برای این پدیده به وجود آورده است. وی با مبنا قراردادن متغیرهای الگویی عام‌گرایی و جامعه‌ی مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی تصویری از شهروندی به عنوان کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام عرضه می‌کند. از نظر پارسونز یک شهروندی کامل به دور از هرگونه تبعیض اجتماعی به معنی برخورداری همه‌ی اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. بنابراین، آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و بازتولید ارزش‌های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است. مهمترین مسأله‌ی مورد توجه پارسونز گروه‌هایی است که از امتیازات شهروندی محروم‌اند. به عنوان مثال او این پرسش را مطرح می‌کند که چه چیزی مانع بهره‌مند سیاهان از مزایای شهروندی کامل شده است؟ و در پاسخ به این سؤال به نقش اندیشه توجه می‌کند و موضوع ارزش‌های فرهنگی را پیش می‌کشد. به نظر او گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود

1 - Parsons

تأکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند درکی از حقوق و امتیازات شهروندی نخواهند داشت. بنابراین، افرادی که دارای نگرش‌های خاص گرایانه هستند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند (حسام، ۱۳۸۱).

ترنر^۱ حقوق شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق قانونی و رسمی می‌داند که برای یک جامعه معین تعریف شده است و در آن شهروند مدعی برخوردار از منابع ملی می‌شود. شهروند دارای منابع مهم اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع سیاسی، آزادی بیان و منابع فرهنگی چون تعلیم و تربیت و آموزش می‌باشد (هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰).

سؤال اساسی در این قسمت از تحقیق این است که مباحث مطرح شده چه پیامدی یا پیامدهایی در جهت حل مسائل زیست محیطی دارد؟ در پاسخ به این سؤال نظریات الریش بک^۲ و دیگر نظریه پردازان که به رابطه آگاهی و حفظ محیط زیست پرداخته‌اند اشاره می‌کنیم.

الریش بک^۲ با طرح فرضیه جامعه مخاطره‌آمیز^۳، جهان غرب کنونی را جامعه‌ای توصیف می‌کند که در آن اشتغال خاطر مردم و عرصه سیاست از بابت توزیع «شرها»^۴ (از قبیل مخاطرات زیست محیطی و نظایر آن) بیش از مشغله فکری آنان در قبال «خیرها»^۵ (مثلاً درآمد و شغل) است. به زعم وی، چیزی که ما در عصر حاضر شاهد آن هستیم، ظهور جامعه جدیدی است که در آن مخاطره- آگاهی^۶ و مخاطره-

1 - Turner

2 - Ulrich Beck

3 - Risk Society

4 - Evil

5 - Good

6 - Risk - Consciousness

گریزی^۱ جزء ویژگی‌های اصلی‌اش شده است (ساتن^۲، ۱۳۹۳، ۱۴۴). جان کلام نظریه بک این است که زیان و هزینه‌های تجدد (مدرنیزاسیون) رفته رفته دارند بر فواید آن پیشی می‌گیرند، یا به عبارت بهتر، به خطر افتادن بشر به دست خودش و ویران کردن طبیعت دارد به موتور محرکه تاریخ بدل می‌شود. بک معتقد است آن چیزی که در تحلیل مخاطرات بیشترین اهمیت را دارد، دانش و آگاهی مردم از آن؛ و اشاعه و انتقال این آگاهی است. چون این آگاهی است که در شناسایی مخاطرات و مطلع کردن مردم از آنها و در تعریف شکل و محتوای مخاطره به کار می‌آید (بک، ۱۳۸۱). فریتيوف کاپرا^۳ نخستین گام در تلاش برای ساختن جوامع پایدار را کسب سواد زیست محیطی^۴ می‌داند. کاپرا معتقد است شرط بقای آینده‌ی بشریت، سواد زیست محیطی، توانایی فهم اصول اساسی شناخت محیط زیست و زندگی کردن بر پایه‌ی آنهاست. چنین فعالیتی (کسب سواد زیست محیطی) در برگیرنده‌ی آموزش و پرورشی است که فهم حیات را درست در قلب برنامه‌ها جای می‌دهد. برنامه‌ای که واقعیت حیات را به فرزندانمان می‌آموزد. تحصیل سواد زیست محیطی - درک و فهم اصول سازمانی که سیستم‌های زیست محیطی را برای دوام شبکه‌ی حیات موجب شده است - نخستین گام در راه نیل به پایداری است. گام دوم حرکت به سوی طراحی زیست محیطی است. ما باید دانش زیست محیطی خود را برای باز طراحی اساسی فناوری‌ها و نهادهای اجتماعی خود به کار ببندیم تا شکاف بین طرح انسانی و سیستم‌های به لحاظ زیست محیطی پایدار را پر کنیم (کاپرا، ۱۳۸۶: ۲۸۶-۲۸۳).

1 - Risk - avoidance

2 - Sutton

3 - Fritjof Capra

4 - Environmental Literacy

گیدنز^۱ معتقد است که تهدیدهای زیست محیطی محصول دانشی هستند که بطور اجتماعی سازمان یافته است و به واسطه تأثیر صنعت‌گرایی بر محیط مادی به بار می‌آیند. این تهدیدها بخشی از آن چیزی هستند که گیدنز آن را مخاطره نوظهوری می‌نامد که ناشی از پیدایش مدرنیته است. منظور گیدنز از وجه مخاطره، مجموعه‌ی خاص تهدیدها و خطرهایی است که ویژگی زندگی اجتماعی مدرن هستند. گیدنز از افزایش جمعیت به عنوان یکی از عواملی که بر محیط زیست طبیعی و زیرساخت‌های مادی بسیاری از نقاط جهان فشار زیادی را وارد می‌کند، نام می‌برد. به نظر گیدنز همه‌ی ما به عنوان «مسافران کشتی فضایی زمین» بدون توجه به محل زندگی مان، تحت تأثیر تغییر و تحولاتی قرار می‌گیریم که دنیای طبیعی را دگرگون می‌سازند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۴۲۲).

هابرماس^۲ معتقد است که رابطه ما انسان‌ها با زیست بوم، رابطه‌ای ابزاری، فنی و حسابگرانه است که همیشه در این رابطه به دنبال بهره‌کشی بهتر از محیط زیست هستیم. البته هابرماس متذکر می‌شود که این رابطه ابزاری از طریق سیستم‌های حامی نظام سرمایه‌داری بر محیط زیست تحمیل می‌شود. هابرماس معتقد است که شهروندان بعد از ما نیز سهمی از این محیط زیست و منابع موجود در آن را دارند لذا برای حل این مشکل (رابطه ابزاری) پیدایی سیاست‌های زیست محیطی را (همچون جنبش اجتماعی جدیدی) که بیانگر توجه به مراقبت و حمایت از محیط زیست طبیعی است را مهم می‌داند، چرا که جنبش‌های زیست محیطی همراه سایر جنبش‌های اجتماعی دیگر عزم آن دارند که نظم نهادی و اخلاقی موجود را به مبارزه بطلبند، چرا که به

1 - Giddens

2 - Habermas

مبارزه طلبیدن این نظم نهادی و اخلاقی منجر به توسعه حوزه عمومی در سطوح افقی و عمودی در جامعه می‌شود. و این خود مسیری است که به ایجاد جامعه مدنی منجر می‌شود. در جامعه مدنی امکان گفتگوی آزاد و خردمندانه و به دور از سلطه اقتصادی و اجتماعی وجود دارد و همه شهروندان از حقوق شهروندی کامل برخوردار می‌باشند. در چنین جامعه‌ای است که رابطه ابزاری از بین رفته و افراد مسئولیت تمام کارهای خود را به عهده می‌گیرند و این امر منجر به این می‌شود که افراد در مقابل تهدیدهای زیست محیطی مسئول بوده و چه در زندگی فردی و چه اجتماعی در حفظ و نگهداری آن فعالانه وارد کنش‌های بخش می‌شوند (بری^۱، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

کاستلز^۲ مفهوم عدالت زیست محیطی را مطرح می‌کند و معتقد است اجتماعات فقیر و اقلیت‌های قومی علیه تبعیض‌های زیست محیطی بسیج شده‌اند، زیرا آنها بیش از دیگران در معرض انواع آلودگی‌ها قرار دارند. گروه‌های زنان نشان داده‌اند که اداره زندگی روزمره بیشتر با آنان است، اما بیشتر در معرض پیامدهای ناخوشایند آلودگی، نزول کیفیت تاسیسات عمومی و توسعه‌ی افسار گسیخته دارند که در مقایسه با مردان از امتیازات و حقوق کمتری برخوردارند. کاستلز معتقد است: مفهوم عدالت زیست محیطی، به عنوان مفهومی فراگیر که موبد ارزش بهره‌مندی از حیات در تمتی صورت آن است، در برابر منافع قدرت، ثروت و تکنولوژی قرار گرفته و تدریجاً اذهان و سیاست‌ها را تسخیر می‌کند و بدین سان نهضت زیست محیطی وارد مرحله‌ای تازه می‌شود. کاستلز معتقد است که هر چقدر بیشتر بدانیم و بیشتر از حقوق خودمان آگاهی داشته باشیم، بهتر می‌توانیم امکانات تکنولوژیک و محیط طبیعی مان را درک

1 - Barry

2 - Castells

کنیم (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۶۵).

پیشینه تجربی تحقیق

این‌درا مونشی^۱ (۲۰۰) در گزارشی تحت عنوان محیط زیست در تئوری اجتماعی، پس از بحثی پیرامون مخاطرات محیط زیست و تئوری اجتماعی معاصر به بررسی میزان توجه به بحران‌های محیط زیست در علوم اجتماعی هندوستان می‌پردازد و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که دیدگاه‌های اکولوژیکی و محیط زیستی ابعاد بسیار مهمی را در مفاهیم اجتماعی مطرح می‌سازد که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. به اعتقاد او شناخت و آگاهی از تهدیدات بقا در برابر سؤالات و چالش‌ها در این زمینه، تنش‌های سیاسی و سیاست‌های جدیدی را در دستور کار توسعه ایجاد می‌کند و ایده‌هایی را برای جایگزینی در سبک زندگی و ارزش‌ها مطرح می‌سازد و به عبارت دیگر توسعه انسانی پایدارتری را پیش می‌راند. به اعتقاد او چشم‌اندازهای ناپایداری موجود، حاصل دستور کار مدرنیزاسیون/ توسعه است و سرمایه‌داری صنعتی با این شیوه‌ی تولید و مصرف، منابع اساسی و ضروری بسیاری را تخریب نموده و حتی تهدیدی برای سبک زندگی بشریت به شمار می‌رود. با رشد جنبش‌های طرفدار محیط زیست و رونق سیاست‌های اکولوژیکی باب جدیدی در برابری و عدالت اجتماعی گشوده می‌شود که مبنای آن باز تعریف روابط بشر و محیط زیست طبیعی او است و نیازمند تجدید ملاحظات در تأثیر فعالیت‌های بشری در طبیعت است.

گرت اسپارگان^۲ و پیتر استریور^۳ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان شهروندان مصرف

1 - Indra Munshi

2 - Gert Spaargaren

3 - Peter Oosterveer

کننده به مثابه عوامل تغییر در جهانی شدن: مطالعه‌ی موردی مصرف‌پایدار^۱ به این نکته تأکید و اشاره می‌کنند که در روند تغییرات جهانی محیط زیست، با تحلیل نقشی که افراد می‌توانند اتخاذ کنند سه نوع تعهد را می‌توان برای افراد مشاهده نمود: ۱- به عنوان شهروندان حافظ محیط زیست ۲- به عنوان مصرف‌کنندگان سیاسی ۳- به عنوان عوامل فردی و اخلاقی. محققان به بررسی این سه نقش در زندگی روزمره عملی افراد در بستر تغییرات پایداری می‌پردازند. در این مقاله آنها برای بررسی نقش شهروند مصرف‌کننده به عنوان موجد تغییر در محیط زیست، شیوه‌ی مصرف را به عنوان واحد اساسی در تحلیل خود به کار می‌برند و نقش تکنولوژی را به عنوان عامل ایجاد زیرساخت‌های صنعتی در روند جهانی مصرف مورد بحث قرار می‌دهند. در بررسی روند مصرف سبز، روابط بین افراد و سیاره‌ی زمین مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نویسندگان چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که در اولین قدم شهروندان حامی حفظ محیط زیست دنبال راه‌ها و شیوه‌هایی هستند که هر شهروند به عنوان مصرف‌کننده متوجه ایجاد پیامدهای مصرف برای محل و منطقه خود است. به شکلی مشابه زمانی که مصرف‌کننده سیاسی در بستر جهانی شدن بازارها و تشکیل بازارهای مختلف قرار می‌گیرد بحث در مورد تعهدات و پتانسیل‌های قدرت مصرف‌کننده و کنترل او بر مصرف آغاز می‌شود.

یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی رابطه‌ی سواد بوم‌شناختی با ردپای بوم‌شناختی (مورد مطالعه: شهروندان تبریز) پرداختند. در این پژوهش پیمایشی ابزار تحقیق پرسشنامه بوده و جامعه آماری تحقیق شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز

1 - Citizen-Consumers as Agents of Change in Globalizing Modernity: The Case of Sustainable Consumption

بودند که ۴۴۳ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که بین سواد بوم شناختی و مؤلفه‌های سازنده‌ی آن با متغیر ردپای بوم شناختی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

شیرانی بیدآبادی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثرگذاری آموزش محیط زیست شهری بر ارزش گذاری و رفتار زیست محیطی دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی ناحیه ۵ استان اصفهان پرداختند. نوع تحقیق مطرح شده بر اساس اهداف از نوع تحقیقات کاربردی بوده و روش تحقیق نیمه تجربی یا طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون و گروه کنترل بوده است. برای دستیابی به هدف پژوهش، از بین مدارس راهنمایی ناحیه ۵ استان اصفهان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای، دو کلاس ۲۵ نفره در دو مدرسه راهنمایی، یکی به عنوان گروه کنترل و دیگری به عنوان گروه آزمایش انتخاب شدند. و سپس به مدت ده جلسه آموزشی (هر جلسه به مدت ۷۵ دقیقه)، گروه آزمایش تحت آموزش محیط زیست شهری قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که، آموزش‌های محیط زیست شهری بر رفتار دانش‌آموزان در گروه آزمایش در سه مبحث حفاظت فضا سبز، مدیریت زباله‌های شهری و مدیریت مصرف انرژی به طور مشهود تأثیرگذار است. همچنین آموزش‌های محیط زیست شهری بر ارزش‌گذاری دانش‌آموزان در گروه آزمایش در دو مبحث حفاظت فضا سبز و مدیریت مصرف انرژی به طور مشهود تأثیرگذار است. و بر روی ارزش-گذاری دانش‌آموزان گروه آزمایش در زمینه مدیریت زباله‌های شهری بی‌تأثیر است. پیری و قاسمی در سال ۱۳۸۵ تحقیقی را تحت عنوان بررسی حقوقی- قضایی چگونگی و نقش اعمال حقوق شهروندی در محیط زیست را انجام دادند که نتیجه

حاصل از آن بدین گونه است: جهت حفظ حقوق زیست محیطی شهروندان بهترین پایگاه دفاع از این مقوله در فکر انسان ساخته می‌شود. آموزش محیط زیست بخش بنیادین این پایگاه دفاعی است هدف این آموزش باید بالا بردن سطح دانش و آگاهی مردم در جهت حفظ محیط زیست باشد.

پژوهشی تحت عنوان ارزیابی وضعیت آگاهی آموزگاران مقطع دبستان شاغل در مناطق مختلف آموزش و پرورش شهر تهران، در زمینه موضوعات زیست محیطی و روش‌های ارتقاء آگاهی توسط بادکوبی و همکارانش در سال ۱۳۷۹ صورت گرفت. پژوهش انجام شده پژوهشی میدانی و مطالعه‌ای مقطعی - توصیفی است. یافته‌های تحقیق مذکور به اختصار عبارتند از اینکه: بیشتر افراد با آگاهی زیست محیطی بالا را مردان تشکیل می‌دهند. از نظر میزان تحصیلات، نزدیک به نیمی از پاسخگویان لیسانس بودند یعنی با افزایش میزان تحصیلات، میزان آگاهی زیست محیطی بالا رفته است. پاسخگویان رشته تجربی در مقایسه با دیگر رشته‌ها میزان آگاهی زیست محیطی بالاتری داشته‌اند. بررسی‌های این پژوهش نشان داده است که با افزایش میزان آگاهی زیست محیطی و مطالعات عمومی، میزان توجه به مسائلی از قبیل بحران انرژی، تخریب لایه اوزون و افزایش جمعیت بیشتر بوده است.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به جهت نوع آن، پیمایشی بوده که می‌توان آن را جزء تحقیقات پهنانگر به حساب آورد. همچنین بر اساس معیار زمان مقطعی بوده است؛ برای گردآوری داده‌ها برای متغیر وابسته، از پرسشنامه (EAI)^۱ میلفونت و دوکیت^۲ و برای

1 - Environmental Attitude Inventory

2 - Milfont & Duckitt

متغیرهای مستقل از پرسشنامه‌ای که توسط اصغری (۱۳۹۰) که به صورت بسته پاسخ (در قالب طیف لیکرت) ساخته شده بود و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز تشکیل می‌دهد که تعداد آنها بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۱۶۸۷۴۵ نفر می‌باشد. از آنجا که در پژوهش حاضر، واریانس واریانس جامعه آماری معلوم نبوده، برای تعیین حجم نمونه، با استفاده از فرمول کوکران (رفیع‌پور، ۱۳۷۵: ۳۷۵) حجم نمونه ۳۸۵ نفر تعیین اما برای کاهش خطای نمونه‌گیری حجم نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. همچنین روش نمونه‌گیری در این تحقیق، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. روش کار به اینصورت بوده است که جمعیت بالای ۱۵ سال شهر تبریز را در آورده و بر حسب جمعیتی که مناطق ۱۰ گانه تبریز داشتند، سهم هر منطقه را در نمونه مشخص کردیم، سپس به طور اتفاقی با توجه به تعداد مشخص شده از هر منطقه پرسشنامه توزیع گردید.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{d^2(n-1) + t^2 pq}$$

$$n = \frac{1168745 \times 3/8416 \times 0/25}{0/0025(1168745-1) + 0/9604} = 385$$

در این پژوهش برای تعیین اعتبار^۱ از اعتبار صوری استفاده شده است. بدین منظور بعد از تنظیم پرسشنامه و قبل از اجرای آن پرسشنامه در اختیار اساتید راهنما، مشاورین

1 - Validity

و دیگر متخصصان قرار گرفت و بعد از بررسی دیدگاه‌های آنها و انجام اصلاحات لازم، نهایتاً پرسشنامه تدوین گردید. اما پایایی^۱ این پرسشنامه، در مرحله پیش‌آزمون از طریق محاسبه آلفای کرونباخ بر روی نمونه‌ای ۵۰ نفری که بطور تصادفی از جامعه آماری انتخاب شده بودند، محاسبه گردید. در ارزیابی نهایی که با استفاده از نرم افزار spss گرفت آلفای متغیرهای تحقیق به شرح جدول (۱) به دست آمد.

جدول ۱: گویه‌ها و ضریب روایی مربوط به متغیرها

متغیر	گویه‌ها و ضریب روایی مربوط به متغیرها	ضریب روایی
آگاهی از حقوق مدنی	آزادی عقیده و بیان نیابستی برای همه وجود داشته باشد، چون برای جامعه خطرناک است. همه ایرانیان مسلمان و غیر مسلمان باید در عقاید و برگزاری مراسم مذهبی خود آزاد باشند. سانسور فیلم‌ها و مجلات جهت حفظ معیارهای اخلاقی جامعه ضروری است. همه دانش‌آموزان از قومیت‌های مختلف در مدارس دولتی از آموزش برابر با دیگران برخوردارند.	۰/۶۱
آگاهی از حقوق اجتماعی	دولت وظیفه‌ای در قبال تامین زندگی افراد ندارد و هر کسی باید با تلاش و کوشش خود، زندگی خود را تامین کند. افرادی که برای جامعه زیان‌آور هستند باید مورد حمایت اجتماعی و خدماتی قرار بگیرند. همه افراد حق برخورداری از تامین اجتماعی رایگان را دارند و دولت باید حداقلی از زندگی مناسب را برای افراد فراهم کند. همه افراد حق برخورداری از مسکن مناسب را دارند. حق بهداشت، آموزش و بیمه از حقوق اولیه و اساسی افراد است. همه افراد حق دارند بعد از تحصیل در دانشگاه یک شغل مرتبط با رشته تحصیلی خود داشته باشند.	۰/۶۳

۰/۶۹	<p>دخالت انسانها در محیط زیست غالبا باعث به وجود آمدن پیامدهای ناخوشایند می‌شود.</p> <p>تعادل محیط زیست به اندازه کافی قوی است که بتواند از عهده‌ی پیامدهای صنعت مدرن برآید.</p> <p>من در محیط زیست هیچ مشکل خاصی را که بتواند به محیط زیست صدمه بزند را نمی‌بینم، همه چیز به نفع ما است.</p> <p>این ایده که تعادل محیط زیست شکننده است بسیار بد بینانه است. آنهایی که می‌گویند بهره‌برداری بی‌امان از محیط زیست ما را به آستانه بحران اکولوژیکی هدایت می‌کند، اشتباه است.</p>	تهدیدهای زیست محیطی
۰/۶۳	<p>انسان نباید در محیط زیست دخالت کند حتی اگر محیط زیست برای ما ناراحت کننده و ناجور باشد.</p> <p>اختصاص دادن زمین‌های بایر و دست نخورده به توسعه کشاورزی باید متوقف گردد.</p> <p>زمانی که محیط زیست برای انسان ناراحت کننده است، انسان حق دارد که در آن تغییراتی را اعمال کند.</p> <p>من واقعا مخالف نابودی محیط زیست هستم حتی اگر با حفظ آن سود اقتصادی ناشی از نابودی آن از بین برود.</p>	تغییر و تحول محیط زیست
۰/۶۶	<p>من در ذخیره آب و یا سایر منابع طبیعی نمی‌توانم بی‌تفاوت باشم.</p> <p>من می‌توانم اطمینان بدهم که در طول زمستان سیستم گرمایشی در منزل یا اتاق یا در محل کارم برای مدت زمان زیادی در درجه بالا قرار نگرفته است.</p> <p>در زندگی روزمره‌ام، من فقط علاقه نداشتم که آب یا انرژی مورد استفاده را ذخیره کنم.</p> <p>در هر زمان ممکن من دوش کوتاه می‌گیرم تا به این ترتیب آب ذخیره شود.</p> <p>در منزل وقتی که من کار خاصی نداشته باشم چراغهای اضافه را خاموش می‌کنم.</p> <p>در زندگی روزمره من سعی می‌کنم راهی برای ذخیره آب و انرژی پیدا کنم.</p> <p>هر زمان ممکن من سعی می‌کنم منابع طبیعی را حفظ کنم.</p>	رفتار حفاظت شخصی

	<p>من از اتومبیل شخصی خودم استفاده می‌کنم حتی اگر وسایل نقلیه حمل و نقل عمومی در سطح شهر کارآمد تر از وسایل نقلیه شخصی باشد.</p>	
۰/۷۴	<p>از اول خلقت اصل بر این است که انسان بر سایر موجودات غلبه کند گیاهان و حیوانات نیز به اندازه انسانها حق زیستن دارند. گیاهان و حیوانات وجود دارند تا انسان‌ها از آنها استفاده کنند. انسان نیز همانند سایر حیوانات و گیاهان جزئی از اکوسیستم می‌باشد. انسان‌ها نسبت به سایر جانداران از اهمیت بیشتری برخوردار نیستند. طبیعت از اول خلقت برای استفاده انسان وجود دارد. طبیعت باید در همه اشکالش، در اختیار و کنترل انسان باشد. من اعتقادی به این مسئله که انسان باید بر سایر حیوانات و گیاهان غلبه کند، ندارم.</p>	<p>تسلط انسان بر محیط زیست</p>
۰/۷۵	<p>این حق همه انسان‌هاست که از طبیعت به عنوان یک منبع برای اهداف اقتصادی استفاده کنند. حفاظت کردن از شغل انسانها خیلی مهمتر از حفظ محیط زیست است. انسان‌ها جز در جهت رسیدن به رشد اقتصادی حق ندارند به محیط زیست آسیبی برسانند. مسئله محیط زیست، امری ثانویه برای رشد اقتصادی است. منفعت ناشی از فروش کالا به مشتری، بسیار مهم‌تر از آلودگی است که در فرایند تولید کالا بوجود می‌آید.</p>	<p>استفاده انسان از طبیعت</p>
۰/۷۹	<p>ما باید میزان رشد جمعیت را به صفر برسانیم. این ایده که ما باید رشد جمعیت را کنترل کنیم اشتباه است. خانواده‌ها باید به سمت داشتن ۲ فرزند تشویق شوند. هر زوج حق دارند به اندازه‌ای که آرزو دارند و می‌توانند هزینه‌های آنها را تامین کنند، بچه بدنیا بیاورند. دولت ما باید درباره اهمیت داشتن دو بچه یا کمتر به مردم آموزش دهد. آندسته از افرادی که می‌گویند انفجار جمعیت یک مشکل است کاملاً اشتباه است.</p>	<p>حمایت کردن از سیاستهای کنترل جمعیت</p>

<p>اگر ما جلوی افزایش جمعیت را بگیریم، جهان به سمت بهتر شدن می‌رود. ما نباید هیچوقت، محدودیتی برای زوج‌هایی که بچه‌ی بیشتری می‌خواهند بگذاریم. برای ما انسانها بهتر خواهد بود اگر به صورت چشمگیری تعداد انسان‌های روی زمین کاهش پیدا کند. دولت حق ندارد از زوج‌ها بخواهد محدودیتی برای تعداد بچه‌هایی که می‌توانند داشته باشند، قائل شوند.</p>	
--	--

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

سلامت زیست محیطی

سبک سلامت زیست محیطی دربرگیرنده‌ی عوامل و فاکتورهایی است که بطور بالقوه بر روی سلامتی محیط و انسانها تأثیر می‌گذارند و آن در برگیرنده‌ی یک سری موضوع با دامنه‌ی وسیع از قبیل: سبک زندگی، سیاست‌های کنترل جمعیت برای حفظ محیط زیست، کیفیت هوا، تغییرات آب‌وهوا، سلامتی آب، و فاجعه‌های طبیعی و ... می‌باشد (نواک و همکاران^۱، ۲۰۰۹: ۳۴۶).

ابعاد سنجش سبک سلامت زیست محیطی در این مقاله کنترل رشد جمعیت، تغییر و تحول محیط زیست، رفتار حفاظت شخصی، تسلط انسان بر محیط زیست، تهدیدهای زیست محیطی و استفاده انسان از محیط زیست گرفته شده‌اند که در سطح سنجش رتبه‌ای مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است.

آگاهی از حقوق شهروندی

حقوق شهروندی عبارت از حقوقی که قانون‌گذار برای اتباع کشور به رسمیت شناخته و فرد آن را در متن اجتماع و در ارتباط با مصالح عمومی جامعه و حاکمیت

1 - Nowak & et al

سیاسی دولت به حاکمیت می‌شناسد. به عبارت دیگر حقوقی است که فرد در زندگی اجتماعی اش دارا می‌باشد و آن را در متن اجتماع و در ارتباط با سرنوشت جامعه و افراد دیگر اعمال می‌کند (اصغری، ۱۳۹۰). در این تحقیق حقوق شهروندی در دو سطح حقوق اجتماعی و حقوق مدنی مورد مطالعه قرار گرفته است.

حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی مجموعه حق‌ها و حمایت‌هایی است که از طریق آن آسایش، رفاه و بهزیستی به حداکثر و عدم رفاه به حداقل می‌رسد. حقوق اجتماعی ناظر است بر حق برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و اجتماعی که به عنوان مزایای عضویت و مشارکت در حیات جامعه به افراد تعلق می‌گیرد تا شخص در مسیر کمال و رشد خویش از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود (اصغری، ۱۳۹۰).

حقوق مدنی

حقوق مدنی به عنوان مهمترین شاخه حقوق خصوصی به حقوق افراد در زندگی اجتماعی می‌پردازد و شامل آزادی بیان، مذهب، حق مالکیت، حق دادرسی یکسان در برابر قانون و... را شامل می‌شود (اصغری، ۱۳۹۰).

یافته‌های تحقیق

برای سنجش سبک سلامت زیست محیطی به عنوان متغیر وابسته، ۵ بعد با ۴۰ گویه در سطح اندازه‌گیری فاصله‌ای استفاده شده است. نتایج به دست آمده با توجه به جدول (شماره ۲) نشان می‌دهد، میانگین سبک سلامت زیست محیطی در بین پاسخگویان ۱۴۴/۲۷ می‌باشد این امر بیانگر آن است که میانگین سبک سلامت زیست محیطی در بین پاسخگویان بالاتر از مقدار متوسط طیف می‌باشد.

جدول ۲: آماره‌های پراکندگی مرتبط با متغیر سبک سلامت زیست محیطی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	دامنه تغییرات	مینیمم	ماکزیمم
سبک سلامت زیست محیطی	۱۴۴/۲۷	۱۲/۴۱	۲۰۰	۴۰	۲۴۰

آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی

برای سنجش آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی به عنوان متغیر مستقل، ۱۰ گویه در سطح اندازه گیری فاصله‌ای استفاده شده است. نتایج به دست آمده با توجه به جدول (شماره ۳) نشان می‌دهد، میانگین آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی در بین پاسخگویان ۴۴/۵۱ می‌باشد این امر بیانگر آن است که آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی در بین پاسخگویان از مقدار متوسط بالاتر است. برای آزمون رابطه بین متغیرها (آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و سبک سلامت زیست محیطی)، از آزمون پیرسون استفاده گردیده است. نتایج نشان داد که رابطه مستقیم و مثبت بین متغیرها در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ به تأیید رسیده است. بر این اساس می‌توان گفت که هر چه میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی افزایش یابد، به همان میزان سبک سلامت زیست محیطی بین پاسخگویان بالا می‌رود (جدول شماره ۳).

جدول ۳: آماره‌های توصیفی و استنباطی مرتبط با آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و سبک سلامت زیست محیطی

آماره‌های پراکندگی مرتبط با آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی						
متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	دامنه تغییرات	مینیمم
آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی	۴۴/۵۱	۲/۲۴	۲۰/۵۹	۰/۴۳	۵۰	۱۰
آزمون پیرسون: آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و سبک سلامت زیست محیطی					تعداد مشاهدات	۴۰۰
					سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰
					شدت همبستگی	۰/۳۶

آگاهی شهروندان از حقوق مدنی

برای سنجش آگاهی شهروندان از حقوق مدنی به عنوان متغیر مستقل، ۴ گویه در سطح اندازه گیری فاصله‌ای استفاده شده است. نتایج به دست آمده با توجه به جدول (شماره ۴) نشان می‌دهد، میانگین آگاهی شهروندان از حقوق مدنی در بین پاسخگویان ۱۳/۸۲ می‌باشد این امر بیانگر آن است که میزان آگاهی شهروندان از حقوق مدنی از مقدار متوسط طیف پایین‌تر است. برای آزمون رابطه بین متغیرها (آگاهی شهروندان از حقوق مدنی و سبک سلامت زیست محیطی)، از آزمون پیرسون استفاده گردیده است. نتایج نشان داد که رابطه مستقیم و مثبت بین متغیرها به تأیید رسیده است. بر این اساس می‌توان گفت که هر چه میزان آگاهی شهروندان از حقوق مدنی بیشتر شود، به همان میزان سبک سلامت زیست محیطی بین پاسخگویان بالا می‌رود، (جدول شماره ۴).

جدول ۴: آماره‌های توصیفی و استنباطی مرتبط با آگاهی شهروندان از حقوق مدنی و سبک سلامت زیست محیطی

آماره‌های پراگندگی مرتبط با آگاهی شهروندان از حقوق مدنی							
متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	سهم	ضریب همبستگی	ضریب همبستگی	ضریب همبستگی	ضریب همبستگی
آگاهی شهروندان از حقوق مدنی	۱۳/۸۲	۳/۵۸	۱۲/۸۲	۰/۳۷	۲۰	۴	۲۴
تعداد مشاهدات					۴۰۰		
آزمون پیرسون: آگاهی شهروندان از حقوق مدنی و سبک سلامت زیست محیطی					۰/۰۰۰		
سطح معنی داری							۰/۲۴
شدت همبستگی							

آگاهی از حقوق اجتماعی

برای سنجش آگاهی از حقوق اجتماعی به عنوان بعدی از متغیر مستقل، ۶ گویه در سطح اندازه گیری فاصله‌ای استفاده شده است. نتایج به دست آمده با توجه به جدول (شماره ۵) نشان می‌دهد، میانگین آگاهی از حقوق اجتماعی ۲۴/۶۹ می‌باشد این امر بیانگر آن است که آگاهی از حقوق اجتماعی در حد متوسط به بالا است. برای آزمون رابطه بین متغیرها (آگاهی از حقوق اجتماعی - سبک سلامت زیست محیطی)، از آزمون پیرسون استفاده گردیده است. نتایج نشان داد که رابطه مستقیم بین متغیرها به تأیید رسیده است. بر این اساس می‌توان گفت که هر چه میزان آگاهی از حقوق اجتماعی بیشتر شود، به همان میزان سبک سلامت زیست محیطی بالا می‌رود (جدول شماره ۵).

جدول ۵: آماره‌های توصیفی و استنباطی مرتبط با آگاهی از حقوق اجتماعی - سبک سلامت زیست محیطی

آماره‌های پراگندگی مرتبط با آگاهی از حقوق اجتماعی						
متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	سهم	ضریب همبستگی	تعداد مشاهدات	سطح معنی داری
آگاهی از حقوق اجتماعی	۲۴/۶۹	۳/۵۴	۱۲/۵۴	۱/۱	۳۰	۰/۰۰۰
					۴۰۰	شدت همبستگی
					۳۶	۰/۲۸

تحلیل چند متغیره رگرسیونی

هدف از تحلیل رگرسیون، مشخص نمودن سهم و تأثیر متغیرهای عمده تحقیق در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است. بر اساس نتایج حاصله که به روش رگرسیون همزمان^۱، انجام یافته است، می‌توان گفت که متغیر وابسته (سبک سلامت زیست محیطی) بیشتر متأثر از متغیر آگاهی از حقوق اجتماعی است. نتایج جدول (شماره ۶) حکایت از آن دارد که ۲ متغیر در مجموع توانسته‌اند ۰/۲۰ درصد از کل واریانس سبک سلامت زیست محیطی را تبیین نمایند ($RS = ۰/۱۹$). همچنان که یافته‌های جدول نشان می‌دهد، دو متغیر آگاهی از حقوق اجتماعی و مدنی باهم وارد مدل شده‌اند و همه آن‌ها تأثیر معناداری بر روی سبک سلامت زیست محیطی داشته‌اند. بنابراین با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت که متغیر آگاهی از حقوق اجتماعی در مقایسه با متغیر دیگر نسبت به تبیین میزان سبک سلامت زیست محیطی در جامعه تعیین کننده تر بوده و دارای اهمیت خاصی می‌باشد. به طوری که هر جامعه‌ای دارای آگاهی بیشتری در مورد حقوق اجتماعی و مدنی باشد، حفاظت افراد آن جامعه از محیط زیست بیشتر خواهد شد و بالعکس.

جدول ۶: آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره سبک سلامت زیست محیطی

متغیر	بتا	t	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی چندگانه	
آگاهی از حقوق اجتماعی	۰/۲۰۶	۴/۲۴	۰/۰۰۰	ضریب تبیین	۰/۴۴
آگاهی از حقوق مدنی	۰/۱۵۳	۲/۲۶	۰/۰۰۰	ضریب تبیین تصحیح شده	۰/۲۰
				کمیت دوربین واتسون	۱/۷۶
				کمیت F	۷/۷۸
				آنالیز واریانس	۰/۰۰۰
				سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

در طول تاریخ رابطه‌ی انسان با محیط زیست همواره به صورت تابعی از رفتار او با محیط اطراف خود بوده است. از اهمیت حیاتی محیط زیست همین بس که نه تنها زندگی انسان‌ها بلکه زندگی همه‌ی موجودات و به عبارت دیگر تمام عالم هستی به سلامتی و بقای آن وابسته است. اما انسان در قرن به‌ظاهر پیشرفته و متمدن و با فناوری‌های پیشرفته، عملاً در حال تخریب بنیان محیط زیست و نابودی آن می‌باشد. تحقیق حاضر با توجه به اینکه امروزه شاهد تخریب سریع محیط زیست از سوی انسانها هستیم در پی پاسخگویی به این مسئله است که آیا رابطه‌ای بین آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و سبک سلامت زیست محیطی وجود دارد یا نه؟ با توجه به تجزیه تحلیل داده‌های تحقیق نتایج زیر حاصل شده است:

میانگین بدست آمده برای سبک سلامت زیست محیطی نشان می‌دهد که میزان سبک سلامت زیست محیطی در بین پاسخگویان در وضعیت متوسط قرار دارد. به نظر می‌رسد که با بالا رفتن دانش و آگاهی مردم، مسائل و موضوعات مرتبط با سلامت زیست محیطی هم برای آنها اهمیت و ضرورت زیادی پیدا می‌کند. شاید بتوان گفت که میزان اطلاعاتی که مردم از رسانه‌های جمعی در خصوص مسایل مربوط به تخریب محیط زیست کسب می‌کنند در این حساسیت نقش بسزایی بازی می‌کند. همچنین نتایج توصیفی مربوط به آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی نشان می‌دهد که میانگین بدست آمده توسط پاسخگویان بیانگر این واقعیت است که میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی از حد متوسط بالاتر است.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در مجموع بین مؤلفه‌های آگاهی

شهروندان از حقوق شهروندی (آگاهی از حقوق اجتماعی و آگاهی از حقوق مدنی) و سبک سلامت زیست محیطی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چقدر میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی افزایش یابد، به میزان سبک سلامت زیست محیطی او افزوده می‌شود. به نظر می‌رسد که با استعانت از نظریه کارل مارکس بتوان گفت که مردم در دنیای معاصر بیش از پیش به این نتیجه رسیده‌اند که «پیشرفت آزادانه هر فردی شرط پیشرفت آزادانه همه است».

همانطور که قبلاً اشاره شد عوامل تأثیرگذار بر سبک سلامت زیست محیطی با ۲ بعد متغیر آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی (آگاهی از حقوق اجتماعی و آگاهی از حقوق مدنی) سنجیده شده است. از این رو برای هر کدام از متغیرهای فوق نیز آزمون‌های آماری ویژه‌ای صورت گرفته و نتایج آن به شرح زیر مورد توجه قرار گرفت:

ضرایب همبستگی مربوط به متغیرهای مذکور در بین کل پاسخگویان تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و آگاهی از حقوق اجتماعی و آگاهی از حقوق مدنی با شاخص سبک سلامت زیست محیطی رابطه مثبت و معناداری دارند. یعنی هر چه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی در فرد بیشتر بوده و فرد آگاهی زیادی داشته باشد به همان میزان حفظ محیط زیست نیز افزایش می‌یابد. نتایج این تحقیق با نظریات بک و هابرماس تطابق دارد. بک معتقد است آن چیزی که در تحلیل مخاطرات زیست محیطی بیشترین اهمیت را دارد، دانش و آگاهی مردم از آن مخاطرات؛ و اشاعه و انتقال این آگاهی است. چون این آگاهی است که در شناسایی مخاطرات و مطلع کردن مردم از آنها و در تعریف شکل و

محتوای مخاطره به کار می‌آید. همچنین نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق ایندرا مونشی، یزد خواستی و همکاران، شیرانی بید آبادی و پیری و همکاران تطابق دارد. بر اساس نظریه دانش، نگرش و عملکرد، امروزه بسیاری از مشکلات زیست محیطی، حاصل فعالیت‌های انسانها می‌باشد. متعاقب این مسئله انسانها ناگزیرند که آگاهی و نگرش خودشان را در فعالیت‌های روزمره‌شان به سمت سازگاری با محیط زیست، هدایت کنند. در واقع بوجود آمدن آگاهی و تغییر نگرش و رفتار یک فرایند ترکیبی است که مرحله به مرحله اتفاق می‌افتد. دسا و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند که نگرش انسانها به مسائل مختلف برحسب منافع و تناسب نیازهایشان در حال تغییر است. پذیرش نگرش جدید در مرحله‌ی اول بستگی به ایجاد یا داشتن آگاهی در زمینه‌ی خاص، ارائه این آگاهی از سوی نهادهای مختلف و چگونگی ارائه این آگاهی بستگی دارد؛ و در وهله‌ی بعدی، وجود دانش و آگاهی در یک زمینه، باعث تغییر در نگرش افراد شده؛ و در نهایت این فرایند می‌تواند در صورت کسب آگاهی و ایجاد نگرش مثبت در فرد باعث تغییر یا بهبود رفتار فرد در آن زمینه شود (دسا و همکاران^۱، ۲۰۱۱: ۶۴۴).

نتایج حاصله از معادله رگرسیونی در میان کل پاسخگویان نیز حاکی از آن است که متغیرهای آگاهی از حقوق اجتماعی و آگاهی از حقوق مدنی هر کدام به صورت جداگانه‌ای تأثیر مثبت و معناداری بر روی سبک سلامت زیست محیطی داشته‌اند. با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان پیشنهادهایی برای بهره‌مندی زیاد ارائه داد.

- پیشنهاد می‌شود با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط آگاهی

شهروندان از حقوق شهروندی و حفاظت محیط زیست، آموزش زیست محیطی شهروندان به صورت جدی از سوی دولتمردان دنبال شود تا داشتن محیط زیست سالم و پاک که جزء اهداف اصلی دولتها در جهت رسیدن به توسعه پایدار است، محقق شود.

- حمایت دولت از NGOها در حوزه زیست محیطی.
- آموزش و فرهنگ‌سازی دولتمردان در جهت دستیابی به محیط زندگی بهتر، بهره‌گیری از دانش روز و شیوه‌های نوین در آموزش.

منابع

- اصغری، مهدی (۱۳۹۰)، *بررسی ارتباط بین مشارکت مدنی و آگاهی شهروندی در بین شهروندان شهر تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- بادکوبی، احمد و همکاران (۱۳۷۹)، بررسی میزان آگاهی، بینش و عملکرد آموزگاران شاغل در آموزش و پرورش تهران درباره مسائل زیست محیطی، *فصلنامه علمی محیط زیست*، شماره ۳۳.
- بری، جان (۱۳۸۰)، *محیط زیست و نظریه اجتماعی*، ترجمه‌ی حسن پویان و نیره توکلی، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- بک، اولریش (۱۳۸۱)، از جامعه صنعتی تا جامعه در مخاطره، محمد رضا مهدی-زاده، *فصلنامه محیط زیست*، شماره ۳۸.
- پیری، مریم (۱۳۸۸)، بررسی حقوقی-قضایی چگونگی و نقش اعمال حقوق شهروندی در محیط زیست، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، شماره ۴۲، صص ۲۰۱۲-۲۰۵.
- توسلی، غلامعباس؛ نجاتی‌حسینی، محمود (۳۸۳۱)، بررسی واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، *نامه انجمن انسان‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره دوم.
- حسام، فرحناز (۱۸۳۱)، هویت شهروندی، *اندیشه و پژوهش*، شماره ۱۵، سال پنجم.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۵)، *کندوکاوها و پنداشته‌ها*، تهران، انتشارات سهامی، صص ۳۷۵.

- ساتن، فیلیپ دیلیو (۱۳۹۲)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست*، ترجمه صادق صالحی، تهران، انتشارات سمت.
- شیرانی بید آبادی، الهام؛ لاریجانی، مریم؛ فرج‌اللهی، مهران (۱۳۹۲)، اثرگذاری آموزش محیط زیست شهری بر ارزش-گذاری و رفتار زیست محیطی دانش-آموزان دختر مقطع راهنمایی ناحیه ۵ استان اصفهان، *فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*، سال چهارم، شماره دوم، صص ۳۷-۳۰.
- فیروزی، مهدی (۱۳۸۴)، *حق بر محیط زیست*، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کاپرا، فریتيوف (۱۳۸۶)، *پیوندهای پنهان*، ترجمه‌ی محمد حریری اکبری، تهران، نشر نی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت هویت*، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، *چکیده‌ی آثار آنتونی گیدنز*، ترجمه‌ی حسین چاوشیان، تهران، انتشارات ققنوس.
- هزار جریبی، جعفر؛ ابوالفضل امانیان (۱۳۹۰)، آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن، *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، شماره ۹، صص ۸-۱.
- وثوقی، منصور؛ مرتضی حضرتی (۱۳۹۱)، بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه نمادین و نگرش به حقوق شهروندی (مطالعه موردی شهر تبریز)، *مجله مطالعات جامعه‌شناسی*، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۵۷-۱۴۱.

- یزدخواستی، بهجت؛ حاجیلو، فتانه؛ علیزاده اقدم، محمدباقر (۱۳۹۲)، بررسی رابطه سواد بوم شناختی با ردپای بوم شناختی، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال سوم، شماره هفتم، صص ۱۰۴-۷۷.
- Amy Schulz & Mary E. Northridge, (2004), *Implications for Environmental Health Promotion*, Sage Publications, p 1-4.
- Andrew Crane, Dirk Matten, Jeremy Moon (2008), *Ecological Citizenship and the Corporation*, Sage Publications, p 371-389.
- Amy L. Versnik Nowak, Heidi Hale, Jessica Lindholm & Elizabeth Strausser. (2009), The Story of Stuff, *American Journal of Health Education*, 40:6, pp. 346-354.
- Andrew Dobson & Angel Valencia Saiz (2005), *Citizenship, Environment and Economy*, Routledge press, p 1-3.
- Beck, U. (1992) *Risk Society: Towards a New Modernity*. London: Sage.
- Beck, U. (1998), *Democracy without Enemies*. Cambridge: Polity Press.
- Beck, U. (1996), 'World risk society as cosmopolitan society', *Theory, Culture and Society*, 13(4):1-32.
- Desa, A., Abdkadir, N., Yusooff, F., (2011), A Study on the Knowledge, Attitudes, Awareness Status and Behaviour Concerning Solid Waste Management. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, N. 18, PP. 643-648.
- Genevieve M. Perron, Raymond P. cote (2006), Improving environmental awareness training in business, *journal of Cleaner Production*, p 551-562.
- Gert Spaargaren & Peter Oosterveer. (2010), Citizen-Consumers as Agents of Change in Globalizing Modernity: The Case of Sustainable Consumption, *The Journal of Sustainability*, Vol. 2, pp 1887-1908.
- Indra Munshi. (2000), "Environment" in *Sociological Theory, Sociological Bulletin*. Vol. 49, No.2, pp253-266.



- Organization for Economic Co-operation and Development, (OECD), (2008): *Health and Environment*, p 3.
- Taciano L. Milfont & John Duckitt (2006), Preservation and Utilization: Understanding the Structure of Environmental Attitudes, Medio Ambiente *Comportamiento Humano Journal*, Vol 7(1), pp29-50.